



فتح ساحل سرخ

اهمیت راهبردی پیروزی‌های اخیر انصار الله یمن و تسلط بر باب المندب

سرمقاله

خود است. این یعنی ظرفیت مقاومت برای بازتولید قدرت وجود دارد و حتی می‌تواند شکل‌های تازه‌ای پیدا کند.

امروز اگر از هرمز و باب المندب صحبت می‌کنیم، از دو گلوگاه راهبردی در دو سوی شبه جزیره عربستان سخن می‌گوییم که هر دودر محاسبات قدرت منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده دارند. ایران در هرمز یک اهرم راهبردی بسیار مهم در اختیار دارد و انصار الله نیز در باب المندب به موقعیتی رسیده که کنترل مؤثر بخش یمنی این گلوگاه را برای آن ممکن کرده است. این دو نقطه، به تنهایی نشان می‌دهند که جغرافیای قدرت در منطقه دیگر صرفا در پایتخت‌های عربی، واشنگتن یا تل آویو تعیین نمی‌شود.

پیام تحولات یمن برای رقبای محور مقاومت روشن است: مقاومت دیگر یک مسئله موقت و قابل حذف با چند حمله یا تحریم نیست. این محور به بخشی از ساختار قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است؛ ساختاری که هریک از اضلاع آن می‌توانند در جغرافیای خود معادلات متفاوتی ایجاد کند. انصار الله امروز نشان داده که حتی در یکی از سخت‌ترین میدان‌های منطقه می‌تواند از فشار عبور کند، ابتکار عمل را در دست بگیرد و خود را به یک قدرت اثرگذار در معادلات دریایی تبدیل کند. امروز از المخا تا میون، این انصار الله است که در حال تحمیل یک واقعیت جدید به منطقه است؛ واقعیتی که در آن مقاومت نه یک بازیگر حاشیه‌ای، بلکه یکی از اضلاع اصلی قدرت منطقه‌ای است و رقبای آن ناچارند این واقعیت را در تمام محاسبات آینده خود لحاظ کنند.

حدود ۲۰۰ نفر اعلام شده است. معنای این اقدام روشن است؛ آمریکا خطر انصار الله را آنقدر جدی می‌داند که حاضر نیست عربستان را تنها بگذارد، اما همزمان از ورود مستقیم به جنگی که ممکن است هزینه آن بسیار بیشتر از برآورد اولیه باشد، پرهیز می‌کند.

اینجاست که واقعیت قدرت انصار الله آشکار می‌شود. جنبشی که سال‌ها پیش در محاصره قرار داشت و قرار بود با فشار نظامی و اقتصادی از صحنه حذف شود، امروز ریاض را به درخواست کمک از واشنگتن وادار کرده است. این جابه‌جایی جایگاه، به خودی خود یک تحول راهبردی است. انصار الله دیگر بازیگری نیست که دیگران درباره آینده آن تصمیم بگیرند؛ خودش به یکی از بازیگرانی تبدیل شده که دیگران مجبورند تصمیم‌های خود را با توجه به رفتار آن تنظیم کنند.

همین واقعیت، ادعای دشمن مبنی بر فروپاشی محور مقاومت را نیز با چالش جدی روبه‌رو می‌کند. محور مقاومت را نباید مانند یک ارتش کلاسیک دید که اگر در یک جبهه ضربه خورد، تمام ساختار آن فرو می‌ریزد. قدرت این محور دقیقا در پراکندگی جغرافیایی، تنوع توانمندی‌ها و استقلال بازیگران آن است. ممکن است یک جبهه در مقطعی با محدودیت مواجه شود، یک گروه نتواند به همه اهداف خود برسد یا حتی بخشی از موقعیت‌های خود را از دست بدهد اما این به معنای از بین رفتن کلیت شبکه قدرت نیست.

یمن امروز نمونه روشن همین واقعیت است. در شرایطی که برخی تصور می‌کردند فشارهای نظامی می‌تواند محور مقاومت را از صحنه خارج کند، انصار الله در یک جغرافیای کاملا متفاوت در حال گسترش قدرت

است. بعد از آن، جزایر حنیش و در نهایت میون به این معادله اضافه شدند. این یعنی انصار الله از یک نیروی مستقر در عمق یمن به نیرویی تبدیل شده که در یکی از حساس‌ترین نقاط دریایی جهان حضور مؤثر دارد.

اهمیت این پیشروی زمانی روشن می‌شود که بدانیم باب‌المندب فقط یک تنگه در نقشه یمن نیست. این گلوگاه، دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند متصل می‌کند و یکی از مسیرهای اصلی تجارت میان آسیا و اروپا و مسیر دسترسی به کانال سوئز است. هر تحول نظامی در اطراف این تنگه می‌تواند محاسبات کشتیرانی، تجارت و انرژی را تغییر دهد. به همین دلیل انصار الله با این پیروزی‌ها یک اهرم ژئوپلیتیکی مهم را به مجموعه توانمندی‌های خود اضافه کرده است. واکنش عربستان به این تحول، شاید روشن‌ترین نشانه اهمیت آن باشد. بر اساس گزارش رسانه‌های غربی، محمد بن سلمان و لعیهد سعودی دو بار با دونالد ترامپ تماس گرفت و از آمریکا خواسته مستقیما علیه انصار الله وارد عمل شود. اما ترامپ از ورود مستقیم نظامی خودداری کرد. این اتفاق را نباید یک تصمیم معمولی واشنگتن دانست. آمریکا به خوبی می‌داند که ورود مستقیم به یک جبهه جدید می‌تواند دامنه بحران را بسیار فراتر از یمن گسترش دهد به ویژه اینکه آمریکا در جنگ ایران با شکست‌های زیادی مواجه و گرفتار شده است.

با این حال، واشنگتن کنار نرفته است. گزارش‌ها از حضور بیش از ۱۰۰ نیروی نظامی آمریکایی در عربستان برای ارائه اطلاعات و کمک در تعیین اهداف حکایت دارد و شمار این نیروها حتی از سوی یک مقام آمریکایی

تحولات روزهای اخیر در یمن دیگر یک تحول معمولی در جنگ این کشور نیست. انصار الله در یک پیشروی سریع و معنادار از المخا به ذباب، جزایر حنیش و در نهایت جزیره میون رسیده و خود را به یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیای سیاسی جهان رسانده است. اتفاقی که در ساحل غربی یمن روی داده است یک پیام روشن دارد؛ انصار الله دیگر صرفا یکی از طرف‌های جنگ یمن نیست، بلکه به بازیگری تبدیل شده که می‌تواند بر امنیت عربستان، محاسبات آمریکا، تجارت دریایی و حتی معادلات انرژی جهان اثر بگذارد.

این تحول در شرایطی اتفاق افتاده که طی ماه‌های گذشته، بخشی از رسانه‌ها و محافل سیاسی اسرائیلی و غربی تلاش کردند تصویری کاملا متفاوت از منطقه ارائه کنند. روایت آنها این بود که ضربات واردشده به برخی اضلاع محور مقاومت، این محور را تضعیف کرده و حتی به مرحله فروپاشی رسانده است. بر اساس همین روایت، تصور می‌شد که مقاومت پس از تحولات سال‌های اخیر دیگر توان بازسازی، ابتکار عمل و بازگشت به صحنه را ندارد. اما امروز یمن دقیقا خلاف این تصویر را نشان می‌دهد.

انصار الله نه تنها از فشارها عبور کرده، بلکه در میدانی که تصور می‌شد باید در موضع دفاعی قرار داشته باشد، ابتکار عمل را به دست گرفته است. نیروهای این جنبش ابتدا المخا را در اختیار گرفتند؛ بندری راهبردی در ساحل دریای سرخ که فاصله چندانی با باب المندب ندارد. سپس پیشروی به سمت ذباب ادامه پیدا کرد؛ منطقه‌ای که مستقیما به تنگه باب‌المندب مشرف

آمریکاشناسی

ایران مستقل؛ دلیل دشمنی آمریکا

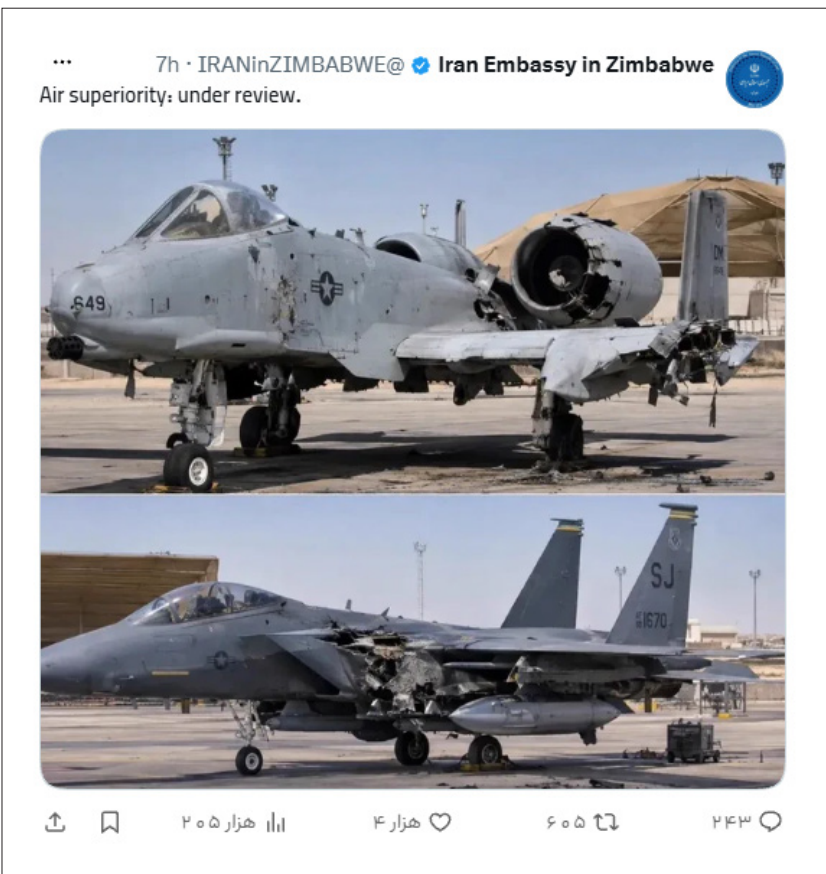

 > ((ما میدانیم چرا آمریکا با جمهوری اسلامی در ایران دشمن است؛ چرا با نهضت بیداری اسلامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی که اتفاق بیفتد، دشمن است؛ چرا کشورهای استکباری اگر ببینند در یک کشوری اسلام دارد پیروز میشود و لوبا شیوه‌های دموکراسی، در مقابل پیروزی اسلام هر چه بتوانند، انجام میدهند؛ چرا هر جا که نشانی از ندای امام راحل عظیم‌الشان ما در آنجا هست و دل‌ها مجذوب آن‌ند است و قدم‌ها در راه اهداف آن حرکت میکنند، استکبار موضع‌گیری میکند. علل، این چیزهایی است که عرض میکنم: در درجه‌ی اول، مسئله‌ی عدم تفکیک دین از سیاست و از صحنه‌ی زندگی است... مسئله‌ی دوم، تأثیر ناپذیری از خواست قدرتهای بزرگ است. از نظر آمریکا و مستکبرین، یکی از جرم‌های بزرگ جمهوری اسلامی این است که در مسائل جهانی تحت تأثیر نظر آمریکا و امثال او قرار نمیگیرد... یک مسئله‌ی دیگر، حمایت معنوی و سیاسی ما از همه‌ی کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش میکنند... یکی دیگر از آن عللی که دشمن را خشمگین میکند، دفاع از ملت‌های مسلمان است... ما از جمله‌ی عللی که دشمن را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین میکند، این میدانیم که ما با تحمیل فرهنگ غرب به ملت‌های مسلمان مخالفیم... من عرض میکنم باز هم شما ملت قادرید آمریکا و متحدانش را در صحنه‌ی رویارویی با جمهوری اسلامی به شکست مطلق بکشانید.))

۱۳۷۲/۳/۱۴ * نکاتی برگرفته از مبنای نظری و تجربی رهبر شهید انقلاب درباره آمریکا

آخرین خبر

طعنه سفارت جمهوری اسلامی ایران در زیمبابوه به ادعای برتری هوایی آمریکا: این ادعا را هم باید بازبینی کنید


 > در حمله موشکی ایران به پایگاه موفق السلطی در اردن، یک فروند جنگنده A-10C تاندربولت آمریکایی یک بال خود را از دست داد و ۸ فروند جنگنده اف-۱۵ آسیب دیدند.



#اعتراف نیویورک تایمز

هشدار و نگرانی از درون پنتاگون درباره جنگ ایران


 > جنگ ایران برای آمریکا فقط یک درگیری نظامی نیست؛ به آزمونی برای توان واقعی واشنگتن تبدیل شده است. هرچه جنگ طولانی‌تر می‌شود، قدرت آمریکا بیشتر زیر سؤال می‌رود و نشانه‌های شکست بیشتری پیدا می‌شود. در همین ارتباط، نیویورک تایمز در گزارشی اختصاصی اعلام کرده جدی‌ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، به‌صورت خصوصی از فرماندهان نظامی این کشور ارزیابی‌های مستقیم و بدون فیلتر درباره جنگ ایران خواسته است. بر اساس این گزارش، فرماندهان هشدار داده‌اند که ادامه جنگ، ذخایر حیاتی آمریکا، به‌ویژه رهگیرهای پاتریوت و موشک‌های دوربرد را کاهش می‌دهد و می‌تواند توان واشنگتن برای بازدارندگی چین، روسیه و کره شمالی را تحت تأثیر قرار دهد. آنها همچنین گفته‌اند ایران برخلاف انتظار اولیه، مقاومت بیشتری نشان داده‌و حاضر است هزینه‌سنگینی بپردازد، اما فرو نپاشد. نکته مهم‌تر، خود اقدام ونس است. اینکه معاون رئیس‌جمهور برای دریافت ارزیابی «بدون فیلتر»، مستقیماً سراغ فرماندهان نظامی برود، نشان می‌دهد نگرانی درباره وضعیت جنگ در بالاترین سطوح دولت آمریکا جدی است. ونس که پیش از جنگ نیز با ورود آمریکا به این درگیری مخالف بود، اکنون در تلاش برای یافتن راهی برای پایان آن است. این یعنی جنگی که قرار بود نمایش قدرت آمریکا باشد، حالا به آزمونی برای ظرفیت این کشور تبدیل شده است؛ آزمونی که هرچه طولانی‌تر شود، هزینه آن برای واشنگتن بیشتر خواهد شد.